

بسمه تعالی

پروژه عکاسی در شب

هدیه رستمی

۹۷۱۱۳۱۴۱۱۱۲۲

زمستان ۱۳۹۹

## چشم‌انداز قرنطینه

نزدیک به یک سال از خانه‌نشینی اجباری ما بر اثر پاندمی کرونا می‌گذرد. در این یک سال بسیاری از چیزها تغییر کردند و از حالت عادی خود فاصله گرفتند. مانند همین سبک زندگی و خانه‌نشین شدن؛ به‌شخصه به‌واسطه همین خانه‌نشینی طولانی و در قرنطینه بودن و محبوس بودن در یک چهاردیواری، مدت‌هاست منظره‌ای به‌جز آن چشم‌انداز شهری ثابتی که از پنجره‌های خانه، از تراس و یا از پشت‌بام دیده می‌شود، ندیده‌ام.

اما همین چشم‌انداز ثابت هم دستخوش تغییر شده است. قبل از این اتفاقات کرونا به ساختمان‌های روبرو که نگاه می‌کردی شاید بیشتر چراغ‌های خانه‌ها خاموش بود اما الآن به دلیل کرونا و منع آمدوشد از ساعت ۹ شب، بسیاری از مردم در خانه‌هایشان می‌مانند و همین در خانه ماندن همه اعضای خانواده در شب، باعث روشن شدن چراغ بیشتر اتاق‌ها می‌شود که قبلاً اکثراً خاموش بودند و این چشم‌انداز شب حالا به مراتب روشن‌تر از گذشته شده است. برای من در یک سال گذشته، پشت‌بام خانه محلی برای رهایی از قرنطینه و راه ارتباطی امن کوچکی با محیط بیرون از خانه بوده است. آن قدر که به این چشم‌انداز ۳۶۰ درجه دور خود نگریسته‌ام که تک‌تک ساختمان‌ها و پنجره‌ها و نمای کلی را از حفظ شده‌ام؛ اما این حفظ شدن نه صمیمیت به همراه داشته است و نه آشنایت. همچنان آدم‌ها و زندگی‌های پشت این پنجره‌ها برایم ناآشنا و دور هستند و من فقط به خانه‌هایی با چراغ‌هایی روشن و چشم‌اندازی همیشگی خیره می‌شوم بی‌آنکه تعلق خاطری داشته باشم؛ باوجود آن که به نظر نزدیک می‌رسند اما بسیار دور و غریب‌اند.

در این پروژه سعی بر این داشته‌ام که این حس دوگانه آشنایی و ناآشنایی را توسط بازنمایی منظره‌ای تکراری، ساختمان‌هایی تکراری، نماهایی تکراری و چشم‌اندازی تکراری به تصویر بکشم.





























